

چگونگی رعایت مقررات مستثنیات دین در قرار تأمین خواسته

ابوالفضل عامری شهراپی *

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۸/۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۵/۲۹

چکیده

همان‌طور که می‌دانیم یکی از قرارهای متداول که در راستای حفظ و ایمن نگاه‌داشتن خواسته در مراجع قضایی به کار می‌رود «قرار تأمین خواسته» است. امروزه این قرار تأمینی علاوه بر محاکم حقوقی در شوراهای حل اختلاف و حتی در دادسراها و محاکم جزایی نیز کاربرد فراوانی دارد که به دلیل اطلاع‌دهی دادرسی و سپری شدن زمانی نسبتاً مدید تا نهایی شدن یک حکم و اجرای کامل آن در محاکم و مراجع قضایی کشورمان، تمایل به طرح آن افزایش یافته است. به علاوه چون در غالب موارد این امکان برای خوانده‌ی دعوی یا متهم میسر و فراهم است تا با انتقال و اخفای اموال خویش معضلاتی را در رابطه با دستیابی خواهان به محکوم به، ایجاد نماید؛ لذا این تأسیس حقوقی می‌تواند از این گونه اقدامات پیشگیری کند و دستیابی خواهان را به خواسته آسان‌تر نماید. از سویی دیگر در پاره‌ای موارد ممکن است به کارگیری این قرار تأمینی با رعایت قواعد مربوط به مستثنیات دین در تعارض باشد؛ زیرا همان‌طور که می‌دانیم به عنوان یک اصل و قاعده‌ای آمره و الزام‌آور که مورد پذیرش در قانون آیین دادرسی مدنی و قانون اجرای احکام مدنی قرار گرفته است در مرحله‌ی اجرای حکم، توقیف آنچه که قانونگذار آنها را در زمره‌ی مستثنیات دین تلقی نموده، غیرممکن است. اما مسأله‌ی چگونگی رعایت مستثنیات دین در قرار تأمین خواسته مورد سکوت قانونگذار قرار گرفته است که در این نوشتار قصد داریم ضمن گذری اجمالی بر محتوای قرار تأمین خواسته به پاسخ این سوال پردازیم که آیا در مرحله‌ی صدور و اجرای قرار تأمین خواسته، رعایت احکام و مقررات ناظر به مستثنیات دین الزامی است یا خیر؟

کلید واژگان: قرار تأمین خواسته، توقیف اموال، مستثنیات دین، محکوم به، تراخی طرفین

درآمد:

تأمین خواسته، تأسیسی است که برای سهولت و تضمین دستیابی خواهان به خواسته‌ی دعوا و در قالب درخواست قبلی یا ضمن دادخواست یا حین رسیدگی و حتی در مرحله‌ی تجدیدنظر^۱ تا قبل از صدور حکم قطعی تقدیم می‌گردد که مرجع رسیدگی‌کننده با وجود شرایط قانونی، مکلف به صدور آن می‌باشد. البته این تأسیس حقوقی برای محکوم له پس از قطعیت حکم به نحو دیگری و تحت عنوان تأمین محکوم‌به نیز پیش‌بینی شده است. به هر حال دامنه‌ی وسعت و کارایی این قرار تأمین آنچنان گسترش یافته است که حتی تحت عنوان تأمین ضرر و زیان ناشی از جرم در رسیدگی‌های جزایی و مراجع کیفری (اعم از دادسرا و دادگاههای جزایی) از سوی قانونگذار در نظر گرفته شده و به دلیل اهمیت این امر، حتی در مواردی که قرار رد درخواست تأمین خواسته‌ی خواهان از سوی مرجع صالحه، به طور مثال به دلیل عدم پرداخت خسارت احتمالی یا نقص در درخواست صادر می‌شود نمی‌تواند مانع از تقدیم مجدد این درخواست به دلیل شمول امر مختومه بها شود.^۲ البته این تأسیس حقوقی در قالب درخواست تأمین با اقتباس از قانون فرانسه شکل گرفته است و هم‌اکنون نیز در این کشور به موجب قانون نهم ژوئیه ۱۹۹۱ جاری است؛ هرچند مطابق با قوانین فعلی کشورمان این درخواست مختص دعوای مالی و ضرر و زیان ناشی از جرم است.^۳ لیکن بر خلاف حقوق کشورمان، در قانون فرانسه طلبکار مجاز است که تحت عنوان دستور پرداخت دادرسی سریع و ارزان‌تر، درخواست نماید که در قالب آیین غیرتناظری با مذاقه در مدارک مثبت طلب وی، دادگاه دستور پرداخت صادر نماید؛ ولی متعاقباً با اعتراض خوانده، مرحله‌ی دیگری از دادرسی که به صورت تناظری است شروع می‌شود و به موضوع رسیدگی می‌شود.^۴ با توجه به اهمیت این قرار تأمین این نکته را نباید از یاد برد که هرچند خواهان یا شاکی با تمسک به این تأسیس حقوقی و با قرار تأمین خواسته از فرایند معرفی مال از سوی محکوم علیه یا متهم در مرحله‌ی اجرای احکام رهایی می‌یابد و دسترسی وی به

۱- نظریه مشورتی اداره حقوقی قوه قضائیه به شماره ۷/۱۴۳۹ مورخه ۱۳۸۰/۵/۷.

۲- مطابق با ماده ۱۱۹ قانون آیین دادرسی مدنی: «قرار قبول یا رد تأمین قابل تجدیدنظر نیست».

۳- شمس، عبدالله؛ آیین دادرسی مدنی، جلد سوم، چاپ چهاردهم، نشر دراک، تهران، ۱۳۸۷، ص ۴۳۰. در دعوای غیرمالی نیز خواهان می‌تواند در صورت ضرورت امر به جای قرار تأمین خواسته از تأسیس حقوقی دستور موقت استفاده نماید.

۴- شمس، عبدالله؛ جزوه آیین دادرسی مدنی تطبیقی، دانشگاه شهید بهشتی، نیمسال اول تحصیلی، ۱۳۷۹، ص ۱۱۴.

محکوم به سهل‌تر می‌شود؛ لیکن این درخواست همانند دستور موقت در اصل دعوا و تغییر نتیجه‌ی دعوا مؤثر نخواهد بود.

۱- تعریف قرار تأمین خواسته

از حیث لغوی، واژه «قرار» به معنای ثبات، آرامش و آرمیدن آمده است^۱ و در اصطلاح حقوقی به آن نوع از تصمیمات دادگاه گفته می‌شود که در امور ترافعی صادر می‌شود و کلاً یا بعضاً قاطع خصومت نیست.^۲ همچنین واژه «تأمین» نیز دارای معانی همچون حفظ نمودن، نگهداری، ایمن کردن، امن کردن و... است.^۳ در همین راستا و در تعریف حقوقی آن، که منطبق با تعریف لغوی آن است تأمین خواسته را می‌توان «حفظ نمودن خواسته و در امنیت قراردادن آن بدین معنا که خواهان می‌تواند از همان ابتدا با بازداشت خواسته‌ی دعوا، آن را در امنیت قرار دهد به گونه‌ای که نه تنها خوانده نتواند آن را نقل و انتقال داده، جابجا و مخفی کرده بلکه از دسترس سایر بستانکاران خوانده نیز خارج شود» تعریف نمود.^۴ درحقیقت دائن تلاش می‌کند تا با استفاده از ابزار تأمین خواسته، اموال مدیون را از کنترل وی خارج نموده و از سوء نیت احتمالی وی جهت انتقال و تضییع خواسته جلوگیری نماید.

۲- مراحل شکل‌گیری قرار تأمین خواسته

همان‌طور که گفته شد قانونگذار در مواد ۱۰۸ قانون آیین دادرسی مدنی و ۱۰۷ قانون آیین دادرسی کیفری جدید با پیش‌بینی قرار تأمین خواسته اجازه‌ی توقیف اموال خوانده یا متهم را حسب مورد به خواهان یا شاکی داده است اما نکته‌ای که باید بدان توجه شود این است که آیا رعایت مقررات مستثنیات دین در این خصوص الزامی است و در صورت مثبت بودن پاسخ شرایط و نحوه‌ی اعمال آن چگونه است؟ در پاسخ به سؤال نخست باید گفت با توجه به منطوق صریح

۱- دهخدا، علی اکبر؛ لغت نامه، دوره ۱۴ جلدی، نشر دانشگاه تهران، ۱۳۷۲، ص ۱۵۴۱۸.

۲- جعفری لنگرودی، محمدجعفر؛ ترمینولوژی حقوقی، چاپ دهم، نشر گنج دانش، تهران، ۱۳۷۸، ص ۵۳۱.

۳- معین، محمد، فرهنگ فارسی؛ جلد اول، چاپ چهارم، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۰، ص ۱۰۱۷.

۴- شمس؛ آیین دادرسی مدنی، ص ۴۱۱.

ماده‌ی ۱۲۹ قانون آیین دادرسی مدنی، در کلیه مواردی که تأمین مالی منتهی به فروش مال توقیف شده می‌گردد رعایت مقررات مربوط به مستثنیات دین امری لازم‌الرعایه می‌باشد. علاوه بر ماده‌ی اخیرالذکر، مطابق با ماده‌ی ۶۵ قانون اجرای احکام مدنی نیز رعایت مستثنیات دین باید به عنوان قاعده‌ای آمره و الزام‌آور در مرحله‌ی اجرای حکم رعایت گردد؛ هرچند به نظر می‌رسد با تصویب قانون آیین دادرسی مدنی و مؤخر بودن آن نسبت به قانون اجرای احکام، مواد ۱۲۹ و ۵۲۳ آن ناسخ ماده‌ی ۶۵ قانون اجرای احکام مدنی است و در مورد تعیین موارد مستثنیات دین باید به قانون آیین دادرسی مدنی مراجعه کرد.^۱ به هر حال هرچند قرار تأمین خواسته تدبیر و راهکاری است در جهت ایمن نگه داشتن خواسته‌ی خواهان یا شاکی، ولی در عین حال نباید نافی اصل رعایت مستثنیات دین به عنوان قاعده‌ای آمره باشد که متأسفانه در این خصوص علی‌رغم حساسیت موضوع، در مورد چگونگی اعمال مقررات مستثنیات دین رویه‌ی واحدی در بین مراجع قضایی وجود ندارد و به نظر می‌رسد برای دستیابی به یک راه حل واحد و منطقی می‌بایست بین زمان صدور قرار تأمین خواسته و زمان اجرای آن، چه در دعوی حقوقی و چه در امور کیفری، قائل به تفکیک شویم تا بتوانیم به راه حل منصفانه‌ای دست یابیم:

۱-۲- زمان صدور قرار تأمین خواسته

در هنگام تقدیم درخواست تأمین خواسته و در رابطه با رعایت مستثنیات دین، اولین سؤالی که به ذهن می‌رسد این است که بر فرض تکمیل بودن درخواست خواهان یا شاکی آیا مقام قضایی در هنگام صدور قرار تأمین خواسته مکلف است وضعیت اموال متهم یا خوانده را از حیث اینکه مستثنیات دین وی چه اموالی هستند مورد بررسی قرار دهد یا خیر؟ و اینکه در صورت معرفی مالی از سوی خواهان در جهت توقیف، آیا مقام قضایی می‌بایست بررسی نماید که مال موصوف جزء مستثنیات دین است یا خیر؟ در پاسخ به این سؤال باید گفت: در هنگام صدور قرار تأمین خواسته، نیازی نیست مقام قضایی مقررات مربوط به مستثنیات دین را لحاظ نموده و مورد توجه قرار دهد. این امر با مذاقه در مواد ۱۲۹، ۵۲۳، ۵۲۵ و ۵۲۷ قانون آیین دادرسی مدنی استنباط

۱- نظریه مشورتی شماره ۷/۱۲۵۲۵ مورخ ۱۳۸۰/۱۲/۲۲.

می‌گردد؛ زیرا مطابق با مواد مزبور به صراحت مقام قضایی فقط در هنگام اجرای قرار تأمین خواسته یعنی زمانی که تأمین منتهی به فروش مالی می‌شود و یا تحت عنوان وصول محکوم به و در مقام اجرای حکم قرار می‌گیرد مکلف به رعایت مقررات مستثنیات دین می‌باشد^۱ و فقط آنچه می‌بایست مورد نظر مقام قضایی در هنگام صدور قرار تأمین خواسته قرار گیرد شرایط شکلی مربوط به صدور قرار تأمین خواسته است که در مواد ۱۰۸ لغایت ۱۲۹ قانون آیین دادرسی مدنی قید گردیده است. این راهکار معقول و مفید است؛ زیرا اولاً با توجه به عدم لزوم تعیین وقت رسیدگی و الزام قانونی جهت صدور قرار تأمین خواسته در وقت فوق العاده امکان حصول علم و انجام تحقیق در این باب وجود ندارد. ثانیاً قانونگذار چنین تکلیف یا مجوزی را برای مقام قضایی تعیین ننموده است. ثالثاً توجه به این امر خلاف فلسفه‌ی وجودی قرار تأمین خواسته است؛ زیرا موجب اطاله‌ی دادرسی گردیده و این امکان را به خوانده یا متهم می‌دهد تا در این فاصله‌ی زمانی نسبت به اخفا یا انتقال مال مورد درخواست توقیف، اقدام نماید. رابعاً ممکن است از زمان صدور قرار تأمین خواسته تا اجرای آن، مال مورد توقیف از شمول مستثنیات دین مدیون خارج شود و بدین‌سان ارزیابی و تعیین مستثنیات دین خوانده یا متهم در هنگام صدور قرار تأمین خواسته، امری فاقد اثر به نظر می‌رسد؛ به عنوان مثال: ممکن است در این فاصله‌ی زمانی علاوه بر اتومبیل مدیون، اتومبیل دیگری در قالب ارث یا وصیت به تملک مدیون درآید. مضافاً چون مقررات مربوط به مستثنیات دین، استثنایی است بر اصل و رعایت آن گاهی موجب محروم شدن محکوم له از نیل به اموالی می‌شود که جزء مستثنیات دین تلقی می‌شود پس باید بسیار مضیق و نزدیک به متن تفسیر گردد و به نص که همانا اعمال آن در زمان اجرای حکم است اکتفا شود.^۲

۱- برطبق ماده ۵۲۴ قانون آیین دادرسی مدنی مستثنیات دین عبارتند از:

الف- مسکن مورد نیاز محکوم علیه و افراد تحت تکفل وی با رعایت شوون عرفی.

ب- وسیله نقلیه مورد نیاز و متناسب با شان محکوم علیه.

ج- اثاثیه مورد نیاز زندگی که برای رفع حوائج ضروری محکوم علیه، خانواده و افراد تحت تکفل وی لازم است.

د- آذوقه موجود به قدر احتیاج محکوم علیه و افراد تحت تکفل وی برای مدتی که عرفاً آذوقه ذخیره می‌شود.

ه- کتب و ابزار علمی و تحقیقاتی برای اهل علم و تحقیق متناسب با شان آنان.

و- وسایل و ابزار کار کسبه، پیشه‌وران، کشاورزان و سایر اشخاصی که وسیله امرای معاش محکوم علیه و افراد تحت تکفل وی می‌باشد.

۲- نظریه شماره ۷۵/۶۰ مورخ ۱۳۸۰/۸/۲۰.

۲-۲- زمان اجرای قرار تأمین خواسته

پس از صدور قرار تأمین خواسته بلافاصله اجرای آن آغاز می‌شود؛ زیرا اجرای آن می‌تواند حتی قبل از ابلاغ به متهم یا شاکی صورت پذیرد. بدیهی است اگر موضوع درخواست تأمین خواسته توقیف وجه باشد به دلیل اینکه اصولاً در توقیف وجه نقد رعایت مستثنیات دین قابلیت تصور ندارد و به عبارتی وجه نقد خارج از موارد مشمول مستثنیات دین در مواد ۱۲۹ و ۵۲۴ قانون آیین دادرسی مدنی است لذا رعایت مستثنیات در این مورد سالبه به انتفاء موضوع است. اما در مواردی که موضوع توقیف اموال در قرار تأمین خواسته «عین» است و به لحاظ اینکه غالباً بنا بر ضرورت امر، اجرای قرار تأمین خواسته قبل از ابلاغ به متهم یا خوانده صورت می‌گیرد لذا به طور کلی در طول دادرسی با سه مرحله مواجه هستیم:

۱-۲-۲- مرحله‌ی قبل از اتمام مهلت اعتراض به قرار تأمین خواسته

پس از صدور قرار تأمین خواسته، مطابق با ماده‌ی ۱۱۶ قانون آیین دادرسی مدنی، در امور حقوقی خوانده می‌تواند ظرف مدت ده روز از تاریخ ابلاغ به مرجع صادرکننده‌ی قرار تأمین خواسته مراتب اعتراض خود را اعلام دارد و در امور کیفری و با استناد به مواد ۲۷۰ و ۲۷۱ قانون آیین دادرسی کیفری جدید متهم اگر مقیم ایران باشد ظرف ده روز و چنانچه مقیم خارج از کشور باشد ظرف مدت سی روز پس از ابلاغ می‌تواند به این قرار اعتراض نماید که یکی از دلایل این اعتراض می‌تواند قرار داشتن مال توقیف شده در زمره‌ی موارد مستثنیات دین باشد که متأسفانه رویه‌ی قضایی در غالب موارد این ادعای خوانده یا متهم را در رابطه با قرار داشتن مال توقیف شده در زمره‌ی مستثنیات دین نمی‌پذیرد و مقامات قضایی ضمن رد اعتراض معترض با این استدلال که نفس صدور قرار تأمین خواسته از اموال متهم یا خوانده صحیح است و توقیف مالی از متهم یا خوانده (که در زمره‌ی مستثنیات دین است) نمی‌تواند به خود قرار تأمین خواسته ایرادی وارد نماید، اعتراض معترض را رد می‌نمایند ولی موضوع رفع توقیف از مستثنیات دین را به مرحله‌ی اجرای حکم محول می‌نمایند. هرچند نفس استدلال اخیر صحیح است و بایستی قرار تأمین خواسته‌ای که حین‌الصدور شرایط قانونی را داشته است ابقا شود ولی محول نمودن ایراد قرار داشتن مال توقیف شده در زمره‌ی مستثنیات دین، به مرحله‌ی اجرای احکام، برخلاف متن

صریح ماده‌ی ۱۲۹ قانون آیین دادرسی مدنی و موجب تضییع حقوق متهم یا خواننده می‌باشد و چه بسا ممکن است سبب ایجاد مشقت و عسر و حرج مدیون به دلیل عدم دسترسی به اموال ضروری وی که در زمره‌ی مستثنیات دین است، شود؛ لذا لازم است مقام قضایی در صورت اثبات و احراز مستثنیات دین بودن مال مورد توقیف، در وقت فوق‌العاده از توقیف آن رفع اثر نماید.^۱

۲-۲-۲- مرحله‌ی پس از قطعیت قرار تأمین خواسته تا قبل از قطعیت حکم:

البته شاید این امر به ذهن متبادر گردد که چون توقیف اموال از طریق قرار تأمین خواسته اقدامی موقتی است که مقدمه‌ای برای اجرای حکم تلقی می‌شود نه خود اجرای حکم، پس نمی‌توان احکام و قواعد مربوط به اجرای احکام را نسبت به موضوع، اعمال نمود ولی این استدلال صحیح به نظر نمی‌رسد؛ چون هرچند قانونگذار در ماده‌ی ۶۵ قانون اجرای احکام فقط از کلمه‌ی «حکم» استفاده نموده است ولی در مواد ۱۲۹ و ۵۲۳ قانون آیین دادرسی مدنی به کلمه‌ی «رأی» اشاره نموده و بدیهی است که «رأی دادگاه» شامل قرار تأمین خواسته نیز می‌گردد و از سویی در ماده‌ی ۱۲۹ قانون آیین دادرسی مدنی صراحتاً رعایت مستثنیات دین در

۱- به عنوان مثال در پرونده اجرایی به شماره کلاسه ۹۲/۱/۸۳ مطروحه در دادگستری شهرستان گلپایگان خواهان خانم «الف» بطرفیت خواننده آقای «م» تحت قیمومیت آقای «ع» درخواست تأمین خواسته معادل صدق خویش را در مورخه ۹۲/۴/۱۹ تقدیم نموده که پس از ارجاع پرونده به دادرسی مستقر در شعبه اول حقوقی مقام قضایی مزبور در وقت فوق‌العاده و به استناد بند الف ماده ۱۰۸ قانون آیین دادرسی مدنی و بلحاظ مستند بودن درخواست خواهان به سند نکاحیه رسمی مبادرت به صدور قرار تأمین خواسته بدون اخذ خسارت احتمالی نموده و در آن، دستور اجرای قبل از ابلاغ قرار را صادر نموده و در همان روز نیز خواهان طی لایحه‌ای خودرویی متعلق به خواننده را در جهت توقیف اموال معرفی نموده و درخواست اعطای نیابت به شهر تهران جهت توقیف آنرا تقدیم کرده که ابتدا دادرسی رسیدگی کننده بدون توجه به اینکه آیا خودرو مزبور جز مستثنیات دین خواننده است یا نه؟ استعلام لازم را در جهت مشخص شدن مالکیت رسمی خودرو و تعلق آن به خواننده را بعمل آورده و سپس با تنظیم نیابتی نسبت به اعطای دستور جهت توقیف خودروی موصوف اقدام نموده لیکن پس از انجام نیابت و اطلاع خواننده از توقیف خودروی خویش مشارالیه طی لایحه‌ای در مورخه ۹۲/۵/۱ درخواست رفع توقیف خودرو خود را نموده که با دستور دادرسی رسیدگی کننده مبنی بر استعلام در مورد اینکه آیا خودروی دیگری تحت مالکیت رسمی خواننده است یا خیر؟ و با انجام تحقیقات از سوی ضابطین نهایتاً با مشخص شدن این امر که خواننده فقط دارای یک خودرو بوده و ادعای وی مبنی بر اینکه مال مورد توقیف از زمره مستثنیات دین است، صحیح است لذا مقام قضایی با تنظیم صورت جلسه‌ای و بدون محول نمودن امر به زمان قطعیت و اجرای حکم به استناد بند ب ماده ۵۲۴ قانون آیین دادرسی مدنی دستور لازم مبنی بر رفع توقیف خودرو مزبور را صادر و بدلیل عدم اعتراض خواننده به اصل قرار تأمین خواسته دادگاه خود را مواجه با تکلیفی ندانسته است.

تأمین خواسته لازم دانسته شده است. بنابراین اگر متهم یا خوانده به مستثنیات دین بودن مال توقیف شده اشاره نموده باشد ولو اینکه مهلت اعتراض وی به قرار تأمین خواسته به پایان رسیده باشد، مقام قضایی بدون تعرض به قرار تأمین خواسته با لحاظ نمودن مواد قانونی اخیرالذکر می-بایست به رفع توقیف اموالی که جزء مستثنیات دین خوانده یا متهم است، اقدام نماید. بنابراین بعد از صدور قرار تأمین خواسته و قطعیت آن و یا حتی در مواردی که قرار تأمین خواسته قبل از قطعیت آن در مقام اجرا قرار می‌گیرد نیز به نظر می‌رسد باید به موارد مستثنیات دین توجه نمود؛ برای مثال: در فرضی که ابزارآلات کار و کسب خوانده یا متهم توقیف شده است، با درخواست وی ولو پس از قطعیت قرار تأمین خواسته (به دلیل اتمام مهلت اعتراض بدان)، مقام قضایی می-بایست ضمن عدم تعرض به قرار تأمین خواسته نسبت به صدور دستور مبنی بر رفع توقیف از چنین اموالی اقدام نماید.

۳-۲-۲- مرحله‌ی اجرای قرار تأمین خواسته پس از صدور حکم قطعی:

هرچند در این مرحله درخواست تأمین خواسته با توجه به قطعیت حکم، منتفی است لکن تحت عنوان تأمین محکوم به و بر طبق تبصره‌ی ۱ ماده‌ی ۳۵ قانون اجرای احکام مدنی و مواد بعدی آن ممکن است محکوم له درخواست تأمین محکوم به را نموده باشد؛ به عبارتی، اگر رای دادگاه به نفع شاکی یا خواهان صادر و به وصف قطعیت برسد و پس از ابلاغ اجرائیه و قبل از اتمام مهلت ۱۰ روزه‌ی آن و حتی پس از اتمام این مهلت به شرط عدم معرفی مالی از ناحیه‌ی محکوم علیه، شخص محکوم له می‌تواند با استناد به ماده‌ی مزبور مبادرت به معرفی اموال محکوم علیه و تأمین محکوم به جهت فروش و وصول محکوم به بنماید. اما در این مرحله هم بایستی حسب مورد به ایراد مستثنیات دین بودن اموال توقیف شده توجه نمود و راه حل مطابق با مطالب مارالذکر نهفته در قانون اجرای احکام مدنی است.

اما همواره باید به این مسأله توجه داشت که اگر خواهان نسبت به عین معینی که حق عینی نسبت بدان دارد درخواست تأمین خواسته نموده باشد و بعد از نهایی شدن حکم، خوانده ادعا نماید عین مزبور جزء مستثنیات دین است به نظر چون موضوع آن حق عینی است لذا رعایت و اجرای مقررات مربوط به مستثنیات دین در این مورد منتفی است و ادعای خوانده نباید مورد توجه و پذیرش دادگاه قرار گیرد؛ به عنوان مثال: اگر خواهان در دعوی الزام به تنظیم سند

رسمی خودرویی به طرفیت خوانده، درخواستی مبنی تأمین خواسته در جهت توقیف خودرو نیز تقدیم نموده باشد با عنایت به ایجاد حق عینی برای خواهان (به دلیل انتقال مالکیت به عنوان یک حق عینی با ایجاب و قبول) لذا شخص خوانده نمی‌تواند به قرار داشتن خودرو در موارد مستثنیات دین اشاره نماید.^۱

۳- صدور قرار تأمین خواسته در امور کیفری

قانونگذار کشورمان همانند قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری در قانون آیین دادرسی کیفری جدید نیز صدور قرار تأمین خواسته را مجاز دانسته است. هرچند صدور قرار تأمین خواسته در امور کیفری برخلاف دعاوی حقوقی، پیش از طرح شکایت پیش-بینی نشده است و مطابق با رویه‌ی متداول در دادرسیها امکان تقدیم این درخواست قبل از طرح شکایت کیفری وجود ندارد ولی درخواست تأمین خواسته مبنی بر ضرر و زیان ناشی از جرم همانند دعاوی مدنی ضمن تقدیم شکایت و در جریان تحقیقات مقدماتی (دادسرا) و همچنین دادگاههای کیفری، با تقاضای شاکی در صورت مستند و مستدل بودن درخواست وی و بدون نیاز به پرداخت هزینه‌ی دادرسی و تودیع خسارت احتمالی به صندوق دادگستری، قابلیت صدور دارد.^۲ لیکن مطابق با قانون آیین دادرسی کیفری جدید پذیرش این درخواست از سوی بازپرس صراحتاً منوط به وجود ادله‌ی قابل قبول است و حتی چنانچه خواسته‌ی شاکی عین معین نبوده یا عین معین بوده اما توقیف آن ممکن نباشد بازپرس می‌بایست با ارائه‌ی درخواست تأمین خواسته معادل ضرر و زیان شاکی از سایر اموال و دارایی‌های متهم، به محض ابلاغ توقیف نماید و در مواردی که ابلاغ فوری ممکن نباشد و تأخیر در اجرا موجب تضییع خواسته شود، ابتدا قرار تأمین، اجرا و سپس ابلاغ صورت می‌گیرد.^۳

به هر حال چون همانند دعاوی حقوقی، در امور کیفری نیز ممکن است که اموال یا حقوق

۱- مهاجری، علی؛ آیین رسیدگی در دادسرا، چاپ ششم، انتشارات فکرسازان، تهران، ۱۳۸۶، ص ۱۰۷.

۲- معاونت آموزش قوه قضائیه؛ مجموعه نشست‌های قضایی (۲)، مسایل آیین دادرسی مدنی، جلد اول، چاپ اول، نشر قضا، قم، ۱۳۸۶، ص ۴۹۶.

۳- مواد ۱۰۷، ۱۰۸ و ۱۰۹ قانون آیین دادرسی کیفری جدید.

خصوصی بزه‌دیده تا اثبات بزه و اجرای حکم، توسط متهم یا اشخاص ثالث دیگر مورد تعدی و تفریط قرار گیرد، در قانون آیین دادرسی کیفری اصدار این قرار اعدادی در جهت تأمین ضرر و زیان از ناحیه قضاوت از زمان طرح شکایت کیفری در دادسرا و رسیدگی به آن در دادگاه جزایی و مرحله‌ی واخواهی پیش‌بینی شده است^۱ که حتی در صورت صدور قرار موقوفی تعقیب، منع تعقیب و یا حکم برائت، دادگاهها کماکان می‌تواند به ادعای ضرر و زیان ناشی از جرم با تقدیم دادخواست حقوقی و مطابق با قانون آیین دادرسی مدنی رسیدگی نمایند؛ به عنوان مثال: می‌توان برای نمونه به دادخواست ضرر و زیان ناشی از جرم بطرفیت ورثه‌ی مرتکب بزه تخریب با فرض صدور قرار موقوفی تعقیب به دلیل فوت متهم اشاره نمود. پس کماکان در چنین مواردی نیز رسیدگی به درخواست تأمین خواسته و تعیین شمول مستثنیات دین متهم در مقام خوانده قابل اعمال و بررسی است.^۲ اما باید این نکته را نیز مدنظر قرار داد که چنانچه رأی قطعی کیفری مؤثر در ماهیت امر حقوقی باشد، برای دادگاهی که به امر حقوقی یا ضرر و زیان رسیدگی می‌کند تبعیت از رأی کیفری لازم الاتباع است؛^۳ برای مثال: در موردی که رأی کیفری قطعی مبنی بر محکومیت متهم به صدور چک بلامحل صادر می‌شود طبیعتاً دادگاه حقوقی یا شورای حل اختلاف مکلف به صدور حکم بر محکومیت متهم به پرداخت ضرر و زیان ناشی از جرم در حق شاکی با تبعیت از رأی کیفری مزبور می‌باشد اما در باب چگونگی اجرای قرار تأمین خواسته و رعایت مستثنیات دین در مواقعی است که مراجع کیفری نسبت به صدور این قرار اقدام می‌کنند باید گفت همانند رسیدگی در امور مدنی، در هنگام «صدور» قرار تأمین خواسته مقام قضایی تکلیفی به رعایت مستثنیات دین نداشته و به محض ارائه‌ی درخواست و وجود ادله‌ی قابل قبول، بازپرس یا قاضی دادگاه کیفری می‌بایست نسبت به صدور قرار تأمین خواسته اقدام نماید لکن در «مرحله‌ی اجرا» صرف‌نظر از سکوت قانون آیین دادرسی کیفری سابق، عده‌ای از حقوق‌دانان معتقد بودند به دلیل اینکه صدور قرار تأمین خواسته ذاتاً امری مدنی است که با رعایت ملاحظاتی به مراجع کیفری واگذار گردیده و با در نظر گرفتن مواد ۳۴ به بعد آیین‌نامه اصلاحی

۱- مهاجری؛ آیین رسیدگی در دادسرا، ص ۲۲۵.

۲- رای وحدت رویه شماره ۶۴۹ مورخه ۷/۷/۷۹.

۳- ماده ۱۸ قانون آیین دادرسی کیفری.

قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب،^۱ اجرای این قرار در امور کیفری نیز برعهده‌ی واحد اجرای احکام حقوقی می‌باشد^۲ اما به نظر می‌رسد این عقیده با تصویب قانون آیین دادرسی کیفری جدید، منسوخ و غیرقابل دفاع است؛ زیرا در این خصوص و در مقام اجرای قرار تأمین خواسته، با نوآوری قانون مزبور و مطابق با ماده‌ی ۱۱۰ آن^۳ از زمان صدور قرار تأمین خواسته و تا قبل از قطعیت حکم و اجرای آن، رسیدگی به ادعای قراردادن مال توقیف شده در زمره‌ی مستثنیات دین و حل اختلاف بین متهم و شاکی در این مورد حسب مورد با بازپرس یا قاضی دادگاه صادرکننده قرار مزبور (اعم از دادگاه کیفری یک یا دو یا دادگاه انقلاب) می‌باشد؛ لیکن در هنگام اجرای قرار تأمین خواسته مطابق با قسمت پایانی ماده‌ی اخیرالذکر رفع اشکالات ناشی از اجرای حکم که از آن جمله چگونگی و موارد اعمال مستثنیات دین است با دادستان یا قاضی اجرای احکام [کیفری] است.

نکته‌ی حائز اهمیت دیگری که باید بدان پرداخته شود سکوت قانونگذار در قانون آیین دادرسی کیفری جدید در مورد امکان یا عدم امکان صدور قرار تأمین خواسته در دادگاههای کیفری است. در این مورد با مذاقه در ماده‌ی ۱۱۲ قانون آیین دادرسی کیفری^۴ می‌توان از به کار بردن کلمه‌ی «دادگاه» تلویحاً دریافت که قانونگذار، نظر بر امکان صدور این قرار در مرحله‌ی دادرسی بدوی علاوه بر مرحله‌ی تحقیقات مقدماتی همانند قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری سابق داشته است. به هر حال نتیجتاً بدیهی و واضح است که در دادرسی‌های کیفری همانند امور حقوقی که سابقاً بدان اشاره شد، رعایت مقررات مستثنیات دین فقط در هنگام اجرای قرار تأمین خواسته لازم است و بازپرس یا قاضی کیفری در هنگام صدور و انشای قرار تأمین خواسته الزامی به در نظر گرفتن مستثنیات دین متهم ندارند.

۱- نظریه مشورتی شماره ۷/۷۵۹۳ مورخه ۸۲/۹/۱۶ اداره حقوقی قوه قضائیه.

۲- شاملو احمدی، محمدحسین؛ دادسرا و تحقیقات مقدماتی، چاپ دوم، نشر دادیار، اصفهان، ۱۳۸۳، ص ۳۹۶.

۳- ماده ۱۱۰ قانون آیین دادرسی کیفری: «رفع ابهام و اجمال از قرار تأمین خواسته به عهده بازپرس است و رفع اشکالات ناشی از اجرای آن توسط دادستان یا قاضی اجرای احکام بعمل می‌آید».

۴- «در مواردی که مطالبه خواسته به تقدیم دادخواست نیاز دارد، چنانچه شاکی تا قبل از ختم دادرسی، دادخواست ضرر و زیان خود را به دادگاه کیفری تقدیم نکند، به درخواست متهم از قرار تأمین خواسته رفع اثر می‌شود».

۴- نقش تراضی در توقیف مستثنیات دین

هرچند رعایت مقررات مربوط به مستثنیات دین در قانون آیین دادرسی مدنی و قانون اجرای احکام مدنی از سوی مراجع قضایی الزامی است لیکن در مواردی که بین محکوم علیه و محکوم له قراردادی مبنی بر استیفای محکوم به از مستثنیات دین وجود دارد می‌بایست به مفاد آن پای‌بند بود و این قرارداد را همانند موردی که محکوم علیه به ایفای دین خود از اموالی که در زمره‌ی مستثنیات دین وی هستند، رضایت دارد، حاکم بر اموالی که مشمول مستثنیات دین هستند دانست؛ زیرا اولاً دلیلی دال بر بطلان یا عدم اجرای قرارداد مزبور وجود ندارد. ثانیاً با تبعیت از اصل لزوم و اصل صحت قراردادها، می‌بایست اراده‌ی طرفین اعمال شود؛ زیرا محکوم علیه بعنوان فردی بالغ، عاقل و رشید و با در نظر گرفتن منافع خویش در هنگام تنظیم قرارداد، اجازه‌ی تصرف در اموال خویش که در زمره‌ی مستثنیات دین نیز بوده را به طرف قرارداد خود اعطا نموده است. ثالثاً قرارداد مزبور نه تنها هیچ تضادی با مواد ۱۰ و ۹۷۵ قانون مدنی و ماده‌ی ۵۲۴ قانون آیین دادرسی مدنی و ماده‌ی ۵۴ قانون اجرای احکام مدنی ندارد بلکه با اخلاق حسنه و نظم عمومی نیز در تقابل نیست؛ زیرا آنچه که با اخلاق و نظم عمومی ناسازگارست عدم ایفای تعهد و نپرداختن دین است نه تأدیه‌ی آن. رابعاً این روایت نبوی «لا یحل مال المرء المسلم الا بطیب نفسه» و قاعده‌ی تسلیط «الناس مسلطون علی اموالهم و علی انفسهم» بر این قرارداد حاکم است.^۱ مضافاً براساس ماده‌ی ۳۰ قانون مدنی، هر مالکی نسبت به مایملک خود حق همه‌گونه تصرف و انتفاع را دارد و دلیل بر استثنای مستثنیات دین از این احکام و قواعد وجود ندارد. نکته‌ی دیگر در این خصوص بروز اختلاف در رعایت تناسب اموال و اشیای مشمول تعریف مستثنیات دین است. بدیهی است در صورت اعلام چنین ادعایی که چنانچه موضوع توقیف اموال در هنگام اجرای قرار تأمین خواسته باشد مرجع صادرکننده‌ی قرار تأمین خواسته می‌بایست نسبت به موضوع تعیین تکلیف نماید و در صورت صدور قرار تأمین محکوم به، با اعلام چنین ادعایی در مرحله‌ی پس از قطیعت حکم با استناد به ماده‌ی ۵۲۵ قانون آیین دادرسی مدنی و مؤخرالتصویب بودن آن نسبت به قانون اجرای احکام مدنی ملاک تشخیص دادگاه صادرکننده‌ی حکم لازم-

۱- مجلسی، محمدباقر؛ بحارالانوار، جلد سوم، مؤسسه الوفاء، بیروت، ۱۴۰۴هـ.ق، ص ۲۷۲.

الاجرا (اعم از مرجع بدوی یا تجدیدنظر) خواهد بود.^۱

۵- برآمد:

با توجه به امکان صدور قرار تأمین خواسته در دادرسی‌های کیفری و حقوقی و بر طبق منطوق صریح مواد ۱۲۹، ۵۲۳ و ۵۳۴ قانون آیین دادرسی مدنی و ماده‌ی ۶۵ قانون اجرای احکام مدنی، در هنگام صدور قرار تأمین خواسته، مقام قضایی موضوع را می‌بایست فقط از باب مالکیت و نه از حیث وضعیت معیشتی خوانده مورد توجه قرار دهد؛ به عبارت دیگر در هنگام صدور قرار تأمین خواسته در صورت وجود کلیه‌ی شرایط برای صدور این قرار، نیازی نیست مقام قضایی مقررات مستثنیات دین را مدنظر قرار دهد اما پس از صدور قرار تأمین خواسته و در هر مرحله از اجرای آن لحاظ نمودن مستثنیات دین ضروری است؛ زیرا توقیف اموالی که در زمره‌ی مستثنیات دین هستند موجب اختلال در زندگی متعارف و روزمره‌ی خوانده یا متهم می‌شود و حتی با حدوث این وضعیت، نیازی نیست تا حکم به وصف قطعیت برسد تا پس از آن از مستثنیات دین خوانده رفع اثر شود؛ زیرا این امر موجب مشقت خوانده گردیده و دلیل قانونی نیز برای توجیه آن وجود ندارد. حتی پس از صدور رای قطعی، هر چند موضوع تأمین خواسته منتفی می‌گردد ولی می‌بایست چنانچه مالی از محکوم‌علیه در قالب تأمین محکوم به توقیف می‌شود همچنان مقررات مربوط به مستثنیات دین مورد توجه مقام مجری حکم قرار گیرد. اما در کلیه‌ی مواردی که موضوع درخواست تأمین خواسته یک حق عینی باشد، در این خصوص باید قائل به استثنا شویم و بدیهی است به دلیل وجود حق عینی برای خواهان، خوانده نمی‌تواند در مقام دفاع به عدم توقیف محکوم به به دلیل اینکه جزء مستثنیات دین است اشاره نماید. همچنین در مواردی که بین محکوم علیه و محکوم له قراردادی مبنی بر استیفای محکوم به از مستثنیات دین وجود داشته باشد باید به دلیل حاکمیت اصول صحت و لزوم و حاکمیت اراده، آن را حاکم بر قواعد مستثنیات دین دانست.

۱- مدنی کرمانی، عارفه؛ اجرای احکام مدنی، نشر مجد، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۵، ص ۱۰۵.

منابع:

- ۱- جعفری لنگرودی، محمدجعفر؛ ترمینولوژی حقوقی، چاپ دهم، نشر گنج دانش، تهران، ۱۳۷۸.
- ۲- دهخدا، علی اکبر؛ لغت نامه، دوره ۱۴ جلدی، نشر دانشگاه تهران، ۱۳۷۲.
- ۳- شاملواحمدی، محمدحسین؛ دادسرا و تحقیقات مقدماتی، چاپ دوم، نشر دادیار، اصفهان، ۱۳۸۳.
- ۴- شمس، عبدالله؛ آیین دادرسی مدنی، جلد سوم، چاپ چهاردهم، نشر دراک، تهران، ۱۳۸۷.
- ۵- شمس، عبدالله؛ جزوه آیین دادرسی مدنی تطبیقی، دانشگاه شهید بهشتی، نیمسال اول تحصیلی، ۱۳۷۹.
- ۶- معاونت آموزش قوه قضائیه؛ مجموعه نشست‌های قضایی (۲)، مسایل آیین دادرسی مدنی، جلد اول، چاپ اول، نشر قضا، قم، ۱۳۸۶.
- ۷- مجلسی، محمدباقر؛ بحار الانوار، جلد سوم، مؤسسه الوفاء، بیروت، ۱۴۰۴.ق.
- ۸- مدنی کرمانی، عارفه؛ اجرای احکام مدنی، نشر مجد، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۵.
- ۹- معین، محمد؛ فرهنگ فارسی، جلد اول، چاپ چهارم، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۰.
- ۱۰- مهاجری، علی؛ مبسوط در آیین دادرسی مدنی، جلد دوم، چاپ دوم، نشر فکرسازان، تهران، ۱۳۸۹.
- ۱۱- مهاجری، علی؛ آیین رسیدگی در دادسرا، چاپ ششم، انتشارات فکرسازان، تهران، ۱۳۸۶.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

How to Observe the Exceptions of Debt in the Garnishment Writ

Abolfazl AMERI SHAHRABI

Abstract:

As we know, one the most common writs which is applied by judicial authorities in order to protect the object of claim, is the garnishment writ. Nowadays, the writ of garnishment, in addition to the law courts, has also many applications in the councils of settlement of disputes and even in public prosecutor's office and criminal courts and due to the prorogation of legal procedure and taking a long time for termination and the complete enforcement of a verdict in the courts and judicial authorities of our country, an interest to this writ has been increased. Furthermore, since in most cases it may be possible for defendant of the claim or accused person to create problems for the plaintiff to access the object of judgment by hiding his/her properties, so this legal constitution can prevent such actions and facilitate the access of plaintiff to the object of judgment. On the other hand, in some cases applying the writ of garnishment may conflict with the observation of rules related to the exceptions of debt. As we know as a mandatory and binding principle accepted by the civil procedure law and civil execution of judgments law, it is impossible to attach whatever has been treated as exceptions of debt by the legislator. But the question of how to observe the exceptions of debt in the garnishment writ has not been talked about by the legislator. In the current article, it is intended that in addition to a brief review to the contents of garnishment writ, the question that whether in the process of issuance and enforcement of the writ of garnishment, it is necessary to observe the orders and regulations observing exceptions of debt or not, is being discussed.

Keywords:

garnishment writ, attachment of properties, exceptions of debt, object of judgment, mutual consent of parties.